

The mechanism of freedom guarantee in society form Quran's view point

Yoosef khanmohammadi¹

*1. Assistant Professor, Mofid University; Member of Political Studies Association, Qom, Iran;
khanmohammadi1@gmail.com*

Received: 1 July 2019; **Accepted:** 13 October 2019

Abstract

This project is aimed at analyzing the mechanism of legal and political freedom guarantee for individuals from Quran's perspective. The findings of this study, which were carried out using the methodological approach of political interpretation of the Qur'an, suggest that based on reflection on the Qur'an and the following elements, freedom in society can be guaranteed from the Qur'an's perspective: Promoting science and awareness among the people, rationalism, thoughtfulness, conscious criticism, responsible emigration, sustainable dialogue between the people and the state with people. The above five components form a system that is inspired by the Qur'an and the needs of today's society and human experience gained through the theory of guaranteeing freedom.

Keywords: Guaranteeing freedom, Political Interpretation of the Quran, Political freedom, legal freedom, Freedom in society.

سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۸، صفحات ۲۷-۵۰

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/sm.۲۰۱۹.۳۷۷۴۶

سازوکارهای تضمین آزادی در جامعه از منظر قرآن

یوسف خان محمدی^۱

۱. استادیار، دانشگاه مفید؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران: kxanmohammadi1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی چگونگی تضمین آزادی سیاسی و حقوقی افراد، از منظر قرآن بود. یافته‌های این پژوهش که با رویکرد روش‌شناسی تفسیر سیاسی قرآن انجام شد، حاکی از آن است که براساس تامل در قرآن و بامولفه‌های زیر می‌توان آزادی در جامعه را از منظر قرآن تضمین کرد: گسترش و ترویج علم و آگاهی در بین مردم، عقل‌گرایی، تفکر و تدبیر، نقد و انتقاد آگاهانه، هجرت مسئولانه، گفت‌وگوی پایدار در بین مردم و دولت با ملت. مولفه‌های پنج‌گانه فوق، منظومه‌ای را شکل می‌دهد که با الهام از قرآن و نیازهای امروزی جامعه و تجربه‌های کسب شده بشری می‌توان نظریه تضمین آزادی را ارائه کرد.

واژه‌های کلیدی: تضمین آزادی، تفسیر سیاسی قرآن، آزادی سیاسی، آزادی حقوقی، آزادی در جامعه.

مقدمه

کسب، حفظ و تضمین آزادی یکی از دغدغه‌های اصلی زندگی انسان در طول تاریخ بوده است. ادیان آسمانی از جمله اسلام به این نگرانی انسان توجه ویژه دارد. در قرآن علاوه بر طرح موانع تحقق آزادی در جامعه^۱، به مساله کسب، حفظ و تضمین آزادی نیز اشاره شده است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی تضمین آزادی از منظر قرآن می‌باشد. تأمل و تدبر در آموزه‌های مطرح شده در قرآن به انسان مسلمان کمک می‌کند تا با توجه به تجربه جدید بشری، نظریه‌ای در این موضوع خاص ارائه کرده و براساس آن زندگی خود را سامان دهد و کرامت انسانی خویش را حفظ کند.

نگارنده براساس تأملاتی که در قرآن داشته است، مناسب‌ترین تعریف که براساس آن بتوان مساله کسب، حفظ و تضمین آزادی را تشریح کرد، همان تعریف و تقسیم‌بندی ایزیا برلین^۲ از آزادی است. از این جهت که معطوف به حقوق سیاسی افراد در جامعه می‌باشد. براساس مبنای برلین، آزادی به دو معنای «مثبت» و «منفی» تقسیم می‌شود: معنای مثبت آزادی، از تمایل فرد به اینکه آقا و صاحب اختیار باشد، برمی‌خیزد، مثلاً آرزوی من آن است که زندگی که می‌کنم و تصمیم‌هایی که می‌گیرم، در اختیار خودم باشد و به هیچ نیرویی از خارج وابسته نباشد، که در این حالت آزادی به معنی صاحب اختیار و ارباب خود بودن (آزادی مثبت) و اینکه کسی جلوی کاری که می‌خواهم بکنم را نگیرد (آزادی منفی) است (برلین، ۱۳۶۸: ص ۲۵۰). به تعبیر دیگر آزادی مثبت^۳ به معنای رشد و تحول شخصی، خودپروری یا خودبرتری است، که گاهی «آزادی در» دانسته می‌شود. آزادی منفی^۴ مداخله نکردن، نبود مانع‌های بیرونی در برابر فرد، گاه به صورت

۱. موانع تحقق آزادی در جامعه از منظر قرآن عبارت است از: پیروی از هوای نفسانی، تقلید بی‌تامل، پادشاهان مستبد، احبار و رهبان (کارگزاران مذهبی). نگارنده این پژوهش در مقاله مستقلی به بررسی این موضوع پرداخته است.

2. Isaiah Berlin

3. Positive Freedom

4. Negative Freedom

«آزادی از» تعریف می‌شود (هیوود، ۱۳۹۳: ص ۶۰۷).

برخی از متفکران معاصر در تشریح دوگانه برلین به نقد آن می‌پردازند که به نوعی هر دو به یک معنا برمی‌گردد: اصطلاح آزادی^۱ در گسترده‌ترین معنا یعنی توانایی اندیشیدن یا عمل کردن به شیوه دلخواه است. با این حال، اغلب بین آزادی «منفی» و «مثبت» فرق می‌گذارند، یعنی آزاد بودن «از» چیزی و آزاد بودن «در» چیزی. آزادی منفی یعنی مداخله نکردن، یعنی محدودیت‌های بیرونی بر فرد نباشد. از این رو، فرد «آزاد» است به هر صورت که می‌خواهد، عمل کند. آزادی مثبت با به دست آوردن نوعی هدف یا سود قابل تشخیص، و معمولاً رشد شخصی، خودپروری، یا خودبرتری پیوند دارد. اما گذاشتن تمایز بین «آزادی از» و «آزادی در» گمراه‌کننده است، زیرا هر نمونه و موردی از آزادی را می‌توان به هر دو صورت توصیف کرد، برای مثال، آزاد بودن از نادانی به معنای آزادی در کسب دانش است (هیوود، ۱۳۹۳: ص ۴۲۷).

کلمه «حُرٌّ» به معنای آزادی در قرآن دوازده مرتبه به اشکال مختلف مطرح شده است (بقره، ۱۷۸؛ آل عمران، ۳۵؛ نساء، ۹۲؛ مائده، ۸۹؛ مجادله، ۳). زبان‌شناسان می‌گویند: «حُرٌّ» از «حَرَ» متضاد «بَرَد» به معنای «سردی» گرفته شده است، زیرا انسان آزاد، برخلاف عبد، غرور و تعصب گرمی دارد که باعث می‌شود در جستجوی خصوصیات والا و شریف باشد (روزنتال، ۱۳۷۹: ص ۵۳).

تمایز روشنی بین معانی حقوقی و اخلاقی «حریت» وجود دارد. راغب اصفهانی «حُرٌّ» را متضاد «عبد» تعریف می‌کند و تمایز این دو را این‌گونه بیان می‌کند: «حریت بر دو قسم است: اول در مورد شخصی که تحت سلطه هیچ قدرتی نیست و دوم در مورد شخصی که تحت سلطه صفات رذیله‌ای از جمله حرص، آز، طمع و آرزوی مال و دارایی دنیوی نباشد. نویسنده برای معانی اول به آیه «الْحُرُّ بِالْحُرِّ» (بقره، ۱۷۸) و «تَحْرِیرَ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةً» (نساء، ۹۲) استناد کرده، و برای معانی دوم به آیه «إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» (آل عمران، ۳۵): «به راستی برایت نذر کردم تا (از غیر تو) آزاد شده باشم»، مستند می‌کند (روزنتال، ۱۳۷۹: ص ۵۳).

آیت‌الله طالقانی نیز تفسیر و برداشت فوق را تأیید می‌کند: محرر نباید به معنای آزاد شده یا آزاد شونده از بندگی (بردگی) باشد، برای اینکه آل عمران نه برده بودند و نه برده‌دار، بلکه آنان آزادیبخش برای بردگان روحی و اخلاقی که ریشه هرگونه بردگی است، بودند و اگر مادر «زن عمران» برده بود، نمی‌توانست آزادکننده فرزندش باشد و اگر آزاد بود فرزندش برده نبوده، پس معنای محرر باید آزاد شده از قیود روحی و غرائز نفسی و تصفیه «ان الله اصطفی» (آل عمران، ۳۳) باشد و یا آزادشده از شرایط محیط و تأثیرات آن که هر دو ملازم یکدیگر و سرانجام هر دو یکی هستند (طالقانی، ۱۳۶۱: ج ۵، ص ۱۰۷). در پژوهش حاضر هر دو معنای «حریت» یعنی آزادی سیاسی و آزادی معنوی در تحلیل مساله تضمین آزادی در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

ارکان نظریه تضمین آزادی

موضوع چگونگی تضمین آزادی از منظر قرآن از موضوعات نوپیدای جامعه امروزین است. برای پاسخ به پرسش‌های نو از قرآن نیاز به ابداع روش جدید بوده و با روش نو فهم جدید اتفاق می‌افتد. به این دلیل نگارنده جهت سامان‌دهی پژوهش حاضر از روش‌شناسی تفسیر سیاسی قرآن (خان‌محمدی، ۱۳۹۶: ص ۱۱۲ - ۹۵) بهره برده است. با این روش تأمل و تدبر در آموزه‌های قرآن جهت ارائه نظریه تضمین آزادی انجام شده و مولفه‌های زیر ارکان ساخت این نظریه را تشکیل می‌دهند:

۱- علم و آگاهی

آگاه شدن انسان به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، مقدمه، درخواست و طلب آزادی است. پیام مهم پیامبران و مصلحان بزرگ در طول تاریخ آگاه کردن مردم از وضعیت خویش، جامعه و رمز و راز عالم خلقت بوده است. با وجود مصلحان بزرگ اعم از پیامبران، امامان و متفکران، زندگی انسان معمولاً با اوهام و خرافه‌ها و عادت‌ها و آگاهی‌های کاذب آغشته بوده، همه روزه نیاز به پالایش دارد، به این دلیل اولین پیام پیامبر گرامی اسلام (ص) در قرآن آزادسازی انسان از سنت‌ها و محدودیت‌های خودساخته انسان بوده است: «و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره‌های

جهل بی‌خبری و بدعت را که بر دوش عقل و جان آنان است، برمی‌دارد (اعراف، ۱۵۱)، «یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم».

در قرآن غالباً واژه «علم» (دانستن) به معنای کسب دانش درباره چیزی و دریافت دانش نسبت به چیزی استفاده می‌شود، متضاد قرآنی علم، فعل «جَهَلَ» به معنی «نادانی، ناآگاهی و ندانستن» است (مک اولیف، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۵۳). علم و آگاهی^۱ در قرآن ستوده شده و علما، صاحبان علم مورد ستایش قرار گرفته و تمجید شده‌اند (فاطر، ۲۸)، «إنما یخشی الله من عباده العلماء»: «هر آینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند». افزون بر قرآن، در سایر آموزه‌های دینی و شعار دائمی مصلحان مسلمان، داشتن علم و آگاهی از خویش و وضعیت جامعه، شرط اصلی و مهم دستیابی به آزادی است. تحول اساسی در همه مشکلات اجتماعی وابسته به رشد ملی و رشد ملی، وابسته به آگاهی مردم است. به خصوص آگاهی نسل جوان از حقایق اسلام پیراسته از اوهام، و توجه دادن آنها به تعالیم عالی قرآن است که در زمان کوتاهی می‌تواند انقلاب همه جانبه در افکار، عقاید، آداب، سنن، اخلاق و عادت‌ها را در جامعه و اقتصاد، ایجاد کند (موسوی زنجانی، ۱۳۸۶: ص ۳۳۷). اپیکور^۲ مدت‌ها پیش گفته بود که دانش، آزادی می‌آورد، زیرا دانش طبعاً ترس‌ها و آرزوهای نامعقول را از سر راه برمی‌دارد (برلین، ۱۳۶۸: ص ۲۶۴).

انسان فاقد علم و آگاهی وقتی با نهادهای نامطلوب موجود در جامعه مواجه می‌شود، خود را محکوم و زندانی آنها می‌یابد، و این نهادها را غیرقابل تغییر و تحول تلقی می‌کند. عرصه عمومی توسط این نهادها اداره می‌شود، فضای تنگ و تاریکی را برای انسان ساخته، غافل از اینکه همه این محدودیت‌ها را می‌توان متعادل و نهادهای نامطلوب را حذف یا اصلاح کرد و فضای مطلوب‌تری را برای زندگی ایجاد نمود. دنیای کهن وقتی بساطش برچیده می‌شود و جای خود را به جامعه‌ای کامل‌تر و آزادی‌پرور می‌دهد که انسان بتواند خود را از تأثیر جادویی این توهم‌ها رها

۱. در قرآن ماده علم ۸۵۴ مرتبه به کار رفته است.

کند، یعنی آنگاه که آدمیان به مرحله‌ای از رشد اجتماعی برسند که بتوانند دریابند که قوانین و نهادها سراسر، ساخته مغز و دست بشرند، اینها همه در اعصار مختلف تاریخی به لحاظ نیازهای زمان پدیدار شده و به مرور زمان و به خطا، چون نیروهایی مستقل انگاشته شده‌اند. اینک ما گرفتار و پایبند استبداد نهادها، باورها و اضطراب‌هایی هستیم که تنها از راه تجزیه و تحلیل و درک می‌توان بر آنها پیروزی جست. ما در زندان ارواح خبیثه گرفتاریم. این زندان را ما خود، البته نه آگاهانه بنیاد نهاده‌ایم. شکستن این طلسم آنگاه میسر خواهد شد که آگاهی خود را بازیابیم و چنانکه باید بکار برخیزیم (برلین، ۱۳۶۸: ص ۲۶۶).

در جهان امروز ابزارهای مناسبی برای آگاهی‌بخشی در بین مردم اختراع شده است، فرصت‌های فراوانی در اختیار مصلحان، متفکران و نواندیشان جهان اسلام قرار دارد. افزون بر استفاده از تریبون‌های سنتی اعم از مساجد، دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی، از ابزارهای نوین رسانه‌ای از جمله فضای مجازی باید بهترین استفاده را کرد.

۲- عقل‌گرایی و تفکر

در منطق قرآن، تعقل و تفکر در مقابل تقلید بی‌تأمل از آباء و اجداد مطرح شده است. تقلید یکی از موانع آزادی محسوب می‌شود، در مقابل، تعقل و تفکر انسان را به اندیشیدن در مورد موضوع‌هایی دعوت می‌کند که به نوعی با زندگی انسان نسبت برقرار می‌کنند. معنای «عقل» مقابل احساس یا خواست، قوه یا استعدادی است که انسان‌ها به واسطه آن جهان را درمی‌یابند و می‌فهمند. ریشه «ع ق ل» چهل مرتبه به معنای فهمیدن و در یافتن، در قرآن به کار رفته است. فرایند شناختی که از آن با فعل «عَقَلَ» تعبیر می‌شود، اساساً بر توانایی انسان‌ها بر درک، تأمل و سنجش حقایق آشکار استوار است (مک اولیف، ۱۳۹۲: ج ۴، ص ۱۱۸). تفکر و تأمل، به معنای اندیشیدن درباره چیزی و تصمیم به روندی از عمل براساس ادراک‌ها یا حوادث مشاهده شده است. قرآن برای افاده این مفهوم به کرات از ریشه عربی «ف ک ر» استفاده می‌کند. باب تفعیل و تفعّل ریشه «ف ک ر» هجده مرتبه در قرآن به کار رفته است (مک اولیف، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۲۰۱). بزرگ‌ترین نعمت خداوند به انسان، قدرت، تعقل، تفکر و تدبیر است، اگر تصمیم‌های فردی و

اجتماعی انسان‌ها با معیار عقل و فکر حرکت کند، رستگاری و موفقیت را در برخواهد داشت، چون نظام خلقت براساس قوانین و سنت‌های خاص خلق شده است، انسان با تعقل می‌تواند همه هستی را در راستای سعادت و توسعه همه جانبه خود به خدمت درآورد و آسیبی هم به محیط زیست وارد نکند. اسلام برای تأمین آزادی‌ها و جلوگیری از سلطه انسان‌های حيله‌گر بر سایر افراد جامعه، عنصر عقل را در وجود انسان به ودیعت گذاشته تا انسان براساس آن مصلحت خویش را به دست آورده و برای ساختن زندگی و جامعه مطلوب کوشش و فعالیت کند. انسان با قدرت عقل و فکر، توان استفاده از تجربه‌های مثبت گذشتگان را پیدا می‌کند، با گزینش تجربه‌های خوب و حذف نقص‌ها و عیب‌های فسادآور، طرحی نو برای آینده خود دراندازد، به این دلیل اسلام مخالف استبداد و اختناق فکری است.

زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی اگر بر مبنای عقلانیت ساخته و تنظیم شود، نیاز به اعمال زور و اجبار و خشونت نخواهد بود، بلکه انسان براساس فطرت راستین خود در مقابل برنامه‌های زندگی عقلانی، همراه و هم‌دل خواهد شد. اگر عقل بر عالم حاکم باشد، نیازی به اعمال زور و اجبار نخواهد بود. اگر یک نقشه صحیح زندگی برای عموم طرح شود، با آزادی کامل عموم - آزادی عقلانی حکومت بر خود - تطبیق خواهد کرد (برلین، ۱۳۶۸: ص ۲۷۰). مراد از خرد (عقل) در اینجا موهبتی است که انسان به وسیله آن می‌تواند طبیعت راستین خود و نیز هدف‌های راستین خود را دریابد، در این صورت هر یک از آدمی‌زادگان در مقابل مقام بازیگری خواهد بود که آزادانه و بی‌آنکه تحت رهبری دیگری باشد، نقش خود را در این نمایشنامه کیهانی ایفا می‌کند (برلین، ۱۳۶۸: ص ۲۷۱).

همه نعمت‌های عالم هستی با عقل شناخته و ارزش‌گذاری و در فرایند عمل قرار می‌گیرند. بنابراین عقل تابع نیست، همیشه استقلال خود را حفظ خواهد کرد، اگر عقل تابع دیگر امور باشد، هویت و ماهیت خود را از دست می‌دهد. اینکه عده‌ای می‌گویند، عقل را می‌توان تابع ایمان یا شرع کرد، خطای بزرگی است. عقل تابع هیچ چیز نمی‌شود. تابع کردن عقل، شوخی کردن با عقل است. عقل خودش، خودش را معنا می‌کند و به محض آنکه از بیرون به عقل دستور داده شود که

چنین بیندیش و اقتداری بیرونی بر او حاکم شد، عقل زیر سوال رفته و هویت آن نابوده شده است. کسی نمی‌تواند به عقل اجبار کند که چنین بیندیش یا چنان بیندیش. عقل همواره خودش، خودش را معنا می‌کند و روش‌های اندیشیدن را نیز خودش معین می‌کند (مجتهد شبستری، ۱۳۸۲: ص ۱۸۱). بنابراین، یکی از بهترین و مناسب‌ترین سازوکارها برای نهادینه کردن آزادی و تضمین آن در جامعه از منظر قرآن گسترش عقل‌گرایی و عقلانیت در حوزه خصوصی و عمومی است.

۳- نقد و انتقاد آگاهانه

نقد در لغت، به معنای جدا کردن سکه طلا یا فلزات گران قیمت از فلزهای تقلبی است، به تعبیر دیگر ارزیابی، بررسی و شناسایی، زیر و رو کردن عیب‌ها و آشکار کردن سره از ناسره می‌باشد. در منطق سیاست و حکمرانی، کالبدشکافی مبانی نظری و شیوه حکومت‌داری عملکرد نهاد سیاست است. در این راستا، ارزیابی علمی اندیشه‌ها و عملکرد حکومت در حوزه‌های مختلف مورد تأکید این پژوهش می‌باشد، اما نقد و ارزیابی نهادهای موجود در جامعه به خصوص نهاد دین، خانواده و نهاد آموزش و غیره می‌تواند امکان گسترش آزادی‌ها را در جامعه فراهم کند. در قرآن، واژه نقد نیامده، ولی گفت‌وگوهای نقادانه بین خدا و ملائکه، خدا و انسان متعدد مطرح شده است، از جمله در مسئله خلقت انسان و اعتراض و نقد ملائکه از عملکرد خداوند در خلق موجود خون‌ریز و فسادگر به نام «انسان» در زمین و پاسخگویی خداوند به اعتراض ملائکه خیلی جالب و قابل تأمل است.^۱ در قرآن تدبیر در آیات الهی (نساء، ۸۲؛ محمد، ۲۴) به نوعی نقد و انتقاد را مورد تأیید قرار می‌دهد. تدبیر به معنی تفکر و تمرکز عمیق همراه با ابتکار و انتقاد است، همانند شیوه دانشمندانی که می‌کوشند چیز تازه‌ای را کشف کنند یا کمر به حل یک مسئله دشوار می‌بندند. قرآن دائماً می‌خواهد که خردمندان به خواندن قرآن و درک آن بپردازیم (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۳۹۱).

۱. «و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقديس لك قال اني اعلم ما لا تعلمون»: «و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم، گفتند: آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ گفت من آن دانم که شما نمی‌دانید (بقره، ۳۰).

ص ۴۴۶). قرآن بی‌عملی برخی از مسلمانان را مورد نقد و انتقاد قرار می‌دهد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید» (صف، ۲).

خداوند در نفی حکومت استبدادی، حکومت فرعون را نماد حکمرانی استبدادی معرفی و عملکرد وی با مردم را نقد و باطل اعلام می‌دارد: «پس او قومش را سبک مغز شمرد [و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد] در نتیجه از او اطاعت کردند، زیرا آنان مردمی فاسق و نافرمان بودند».^۱ شهید مطهری، نقدهای مخالفین از اسلام و تشیع را نعمت بزرگ می‌داند و معتقد بود، نقدها باعث پاسخ‌گویی متفکران اسلامی می‌شود، در نتیجه تفسیرهای دینی مستدل و عقلانی‌تر می‌شوند:

«من هرگز از پیدایش افراد شکاک در اجتماع که علیه اسلام سخنرانی کنند و مقاله بنویسند، متأثر که نمی‌شوم هیچ، از یک نظر خوشحال هم می‌شوم، چون می‌دانم پیدایش اینها سبب می‌شود که چهره اسلام بیشتر نمایان بشود. چون افراد شکاک و افرادی که بر ضد دین سخنرانی می‌کنند، وقتی خطرناک است که مردان دین آنقدر مرده و بی‌روح باشند که در مقام جواب برنمایند، یعنی نشان ندهند. اما اگر همین مقدار حیات و زندگی در ملت اسلام وجود داشته باشد که در مقابل ضربه دشمن عکس‌العمل نشان بدهد، مطمئن باشید که در نهایت امر به نفع اسلام تمام خواهد شد. همان طوری که در طول سی و چهل سال اخیر کسروی پیدا شد، و بر ضد شیعه به خصوص و احیاناً بر ضد اسلام چیزهایی نوشت، توده‌ای‌ها آمدند در مسائل مادی‌گرایی حرف‌ها زدند و به اساس اسلام اعتراض کردند، افراد دیگری پیدا شدند که به نام حمایت از ملیت ایرانی علیه اسلام سخنرانی گفتند. اینها بدون اینکه خودشان بخواهند و قصد داشته باشند، به طور غیرمستقیم آنقدر به اسلام خدمت کردند که خدا می‌داند، یعنی وقتی کسروی آن کتاب‌ها را نوشت، تازه دست علمای اسلام رفت روی کاغذ و مسائلی را در طول چند قرن در اثر اینکه اعتراض و تشکیک و ایرادی نشده بود و پرده‌هایی از ابهام روی آنها را گرفته بود، و کم‌کم خرافات و اوهامی هم درباره آنها

۱. «فاستخف قومه فأطاعوه أنهم كانوا قوماً فاسقین» (زخرف، ۵۴).

پیدا شده بود، تشریح کردند» (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۱۵۷).

شهید مطهری حزب توده و جریان چپ مارکسیستی در ایران و نقدهای آنان از اندیشه دینی را افزون بر اینکه «تهدید» نمی‌دانست، بلکه «فرصت» تلقی می‌کرد که باعث تضارب آراء و پویایی اندیشه دینی و شیعی در ایران شدند:

«توده‌ای‌ها آمدند، چقدر توانستند به طور غیرمستقیم بدون اینکه خودشان بخواهند به منطق فلسفی و منطق اجتماعی اسلام خدمت بکنند. یعنی اینها سبب شدند که دست‌های علمای اسلام از آستین بیرون آمد و چه آثار نفیسی در این زمینه منتشر شد. یک دین زنده هرگز از اینگونه حرف‌ها بیم ندارد. یک دین زنده آن وقت بیم دارد که ملتش آنقدر مرده باشند که عکس‌العمل نشان ندهند» (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۱۵۷).

گسترش نقد و انتقاد باعث چابکی نهاد دین و همچنین نهاد سیاست می‌شود، برای مفید بودن نقد برای حکمرانی خوب، می‌توان از استعاره چکاپ برای انسان استفاده کرد، هم چنانکه در چکاپ ممکن است خبرهای خوبی از سلامت بدن فرد نباشد، بلکه انواع مختلف مرض‌ها در بدن تشخیص داده شود، این خبرها علاوه بر اینکه مضر نیست، بلکه انسان‌های عاقل از آن استقبال می‌کنند و تشخیص زود هنگام امراض، فرصت کافی در اختیار مریض برای درمان و دستیابی به سلامت قرار می‌دهد. گسترش فرهنگ نقد در جامعه باعث می‌شود ناکارآمدی نظام اجتماعی و سیاسی و سایر نهادهای جامعه مشخص و اصلاح شود.

دوام ایمان واقعی در یک جامعه در صورتی ممکن است که ایمان هویت انتخاب آگاهانه را در آن جامعه از دست ندهد. ایمان در صورتی یک انتخاب آگاهانه می‌ماند که به طور دائم یک برخورد معقول میان سخن و منطق مومنان و سایر کسان که سخن‌ها و منطق‌های دیگری دارند جریان داشته باشد و مومنان بتوانند دائماً سخن خود را نو کنند، همان‌طور که علم و فلسفه و سایر سخن‌ها و منطق‌ها نو می‌شود. مؤمنان باید بتوانند بیان‌های تازه‌ای از آنچه که به آن دعوت می‌کنند، به میدان بیاورند. این پویایی بدون نقادی جدی دین و دینداری و ایمان در جامعه ممکن نمی‌شود. نقد بیرونی دین به نقد درونی دین کمک بسیاری می‌کند. آنچه در قرن اخیر به عنوان نقد دین از طرف متفکران ابراز شده، برای روشن کردن معنای ایمان خالص به مومنان کمک بسیار کرده است.

از جمله آنچه لودویگ فوئرباخ^۱ و کارل مارکس^۲ در نقد دین و ایمان گفته‌اند به مؤمنان یاری رسانده تا درک کنند چه چیز ایمان نیست و بتوانند تعریف‌های دقیق‌تری از ایمان بدهند. این نقدها نشان داده که چگونه منافع اجتماعی و طبقاتی و صنفی می‌تواند به صورت یک امر دینی ظهور کند و چگونه پیچیدگی‌های روانی انسان مثلاً آرزواندیشی وی می‌تواند برای او خدا بسازد! این نقدها کمک شایانی به تفکیک ایمان از غیر ایمان و توحید از شرک کرده است. البته مردم عوام همیشه از این نقدها وحشت کرده‌اند، زیرا این نقدها دین و ایمان تقلیدی و وابسته به منافع فردی و اجتماعی را بر باد می‌دهد» (مجتهد شبستری، ۱۳۸۲: ص ۸۱).

نقد عالمانه فواید گسترده‌ای در جامعه دارد، از یک طرف باعث آگاهی دولت‌مردان از ناکارآمدی‌های نظام سیاسی و وجود بحران‌ها و معضلات در جامعه می‌شود، وقتی علم به بحران وجود داشته باشد، هر انسان عاقلی سازوکارهای اصلاح امور را طراحی و اجرا می‌کند و باعث ثبات سیاسی - اجتماعی در جامعه می‌شود. از طرف دیگر نقد مداوم باعث شکل‌گیری فضای عقلانی برای تبادل آراء و گسترش آزادی‌های عمومی و تضمین آن جهت رسیدن به جامعه مطلوب سیاسی قرآن خواهد شد.

۴- هجرت مسئولانه و تضمین آزادی

هجرت به معنای مفارقت و جدایی داوطلبانه انسان از وطن، خانواده، دوستان، موقعیت‌های اجتماعی برای رسیدن به اهداف بلند و رساندن پیام‌های رهایی‌بخش به جامعه انسانی است. هجرت در منطق قرآن مورد تمجید و تشویق قرار گرفته است، بیش از سی مرتبه «هجرت» و «مهاجرت» در قرآن به گوش انسان‌های آزادی‌خواه زمزمه شده است.^۳ هجرت پیامبر گرامی اسلام (ص) از جامعه متصلب و بسته مکه به جامعه متکثر یثرب، مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت،

1. Ludwig Andreas von Feuerbach

2. Karl Marx

۳. بقره، ۲۱۸؛ آل عمران، ۱۹۵؛ نساء، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰؛ انفال، ۷۲، ۷۴، ۷۵؛ توبه، ۲۰، ۱۰۰، ۱۱۷؛ نحل، ۴۱، ۱۱۰؛ مریم، ۴۶؛ حج، ۵۸؛ حشر، ۸؛ ممتحنه، ۱۰؛ مزمل، ۱۰.

با وجود مناسبت‌های مهم و تأثیرگذار در اسلام از جمله بعثت پیامبر(ص)، تولد پیامبر(ص) و جنگ بدر اولین جنگ و پیروزی غیرقابل باور مسلمانان فراری و مهاجر بر اشراف قریش و کفار مکه. ولی هجرت پیامبر(ص) از همه این پدیده‌ها مهم‌تر بود، در نتیجه مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت (ابوخلیل، ۱۹۸۵م: ص ۸).

هجرت یک مسئله پویا و خودشکوفا است که پیامبر(ص) در اسلام پدید آورد و توقف و سکونی برای آن متصور نیست، در هر زمان و مکانی، وقتی آزادی‌های متعارف انسان با محدودیت مواجه شد، با سازوکار هجرت می‌توان موانع را شکست و بهترین فرصت‌ها را برای زندگی شرافتمندانه ایجاد کرد. هجرت به انسان توسعه وجودی می‌بخشد، تا انسان به بهانه جبر و محدودیت مکانی و زمانی از خودشکوفایی خود و دیگران غافل نشود. هجرت یعنی خلق افق‌های جدید و تغییر افق‌های منجمد و راکد. خلق افقی جدید برای کسب فضیلت‌های فراموش شده، ساختن جامعه‌ای آزاد و آگاه از نو، پایه‌گذاری، احترام به کرامت انسان و جلوگیری از شکستن امیدها و آرزوهای جوانان، حمایت از نظام خانواده، جلوگیری از فروپاشی اخلاقی در بین مردم جامعه و در عرصه نظام بین‌الملل است.

در درون هجرت قیام و فریاد بر ضد فرعون‌های زمان وجود دارد که با رفتار خود باعث خرد شدن شخصیت انسان‌های آزادی‌خواه می‌شوند، هجرت فریاد انسان متعهد به قارون‌های ثروت و جلوگیری از چپاول منابع مادی و معنوی جامعه اسلامی است. قرآن با ندای هجرت، تمام سرزمین‌های جهان را میعادگاه مهاجران جهت آگاهی مردم از حقوق خود می‌داند: «ارض الله واسعه»^۱ انسان برای آگاهی بخشی باید از تمام اموری که وابستگی ایجاد می‌کند عبور کند، از جمله، وابستگی به پست و مقام، وابستگی به طبقه خاص، سنت‌های غلط اجتماعی، همه اینها را باید گسست تا بستر برای تضمین آزادی فراهم شود.

۱. نساء، ۹۷؛ «فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا وسیع نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار] ایمان مهاجرت کنید» عنکبوت، ۵۶؛ زمر، ۱۰.

با تأمل در تحولات اجتماعی انسان، تاریخ تمدن اسلامی با مهاجرت شکل گرفت، تمدن جدید غرب با عصر روشنگری و اکتشافات جغرافیایی آغاز شد و به شکوفایی نائل گشت، خلافت عثمانی، ترک‌های غوز از ماورای سیحون و جیحون به منطقه آناتولی مهاجرت و بستر شکل‌گیری حکومت عثمانی را فراهم کردند. همیشه تعامل با دنیا و با خلق افق‌های جدید پیشرفت و توسعه شکل می‌گیرد. توسعه را می‌توان به عنوان یک فرایند بسط و گسترش آزادی‌های واقعی که مردم از آن بهره ببرند، تلقی کرد (سن، ۱۳۸۱: ص ۱۳).

بنابراین، هجرت مناسب‌ترین سازوکار برای کسب، حفظ و تضمین آزادی در جوامع بوده و خواهد بود. در پس چهره هر مدنی، مهاجرتی پنهان است. به سخن هر جامعه بزرگی که گوش فرامی‌دهیم، به زبان تاریخ یا اساطیرش از هجرتی حکایت می‌کند، و در اینجاست که مسئله هجرت در تاریخ اسلام، قرآن و سیره پیامبر(ص) نه یک واقعه است، چنانکه غالباً می‌بینید، بلکه یک اصل بزرگ اجتماعی بوده و اگر در اسلام به دقت بنگریم آن را به همین گونه خواهیم دید (شریعتی، ۱۳۴۷: ج ۱، ص ۲۳۵).

۵- آزادی و گفتگو

تفاوت، تمایز و کثرت در طبیعت و فطرت انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است و این تفاوت در بین متفکران اجتماعی امری عادی و پذیرفته شده محسوب می‌شود. حتی از نظر ظاهری، انسان‌ها از همدیگر متفاوت‌اند، یکی جثه قوی و یکی جثه ضعیف دارد، آن دیگری کوتاه قد و نفر دیگر بلندقد است. از نگاه دیگر، اختلافات طبقاتی و میزان برخورداری از ثروت و قدرت نشان‌گر نوع دیگری از تفاوت و اختلاف است. تمایز فرهنگی از جمله نظام خانواده، نظام آموزشی، زبان و لهجه و قومیت‌ها همه نشان از تفاوت و تکثر می‌دهند (روم، ۲۲؛ حجرات، ۱۳). نتیجه چنین تمایزاتی در سبک زندگی، باعث تنش‌ها در روابط اجتماعی و در نهایت منجر به خشونت و جنگ در بین انسان‌ها در درون یک جامعه و حتی دولت-ملت‌ها با یکدیگر می‌شود.

با فرض وجود تضاد منافع، سیری ناپذیری انسان‌ها و نگرش متفاوت در سبک زندگی، انسان‌ها نیازمند به زندگی جمعی هستند. به تعبیر دیگر، انسان مدنی بالطبع بوده و برای شکوفا کردن استعدادهای خود مجبور به زندگی در جامعه است.

راهبردهای مهار و حل اختلاف

برای مهار اختلافات، و کاهش تنش‌ها شیوه‌های مختلفی در جوامع وجود دارد. به صورت کلی و کلان بیش از دو روش یا راهبرد وجود ندارد:

راهبرد اول، استفاده از خشونت برای سرکوب تفاوت‌ها و اختلاف‌ها. این شیوه، در طول زندگی اجتماعی انسان به کار رفته، اما ثبات و تداوم نداشته است، یا اگر دوام داشته باشد جامعه به انحطاط کشیده فاسد خواهد شد. با گسترش آگاهی‌های مردم ناکارآمدی یکسان‌سازی و استفاده از خشونت نمایان‌تر می‌شود.

راهبرد دوم، با قبول، تمایزات و اختلاف سلیقه‌ها می‌توان از سازوکار «گفت‌وگو» برای کاهش اختلافات و بهبود زندگی افراد استفاده کرد، سازوکار گفت‌وگو به عنوان روشی برای کاهش تضادها و دستیابی به تفاهم و تعادل، بهترین روش در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان بوده است. هر جا گفت‌وگو بوده، پیشرفت و توسعه در زندگی انسان هویدا شده است، عقل و عرف بشری نیز مهر تأیید به این شیوه می‌زند و دین اسلام نیز به عنوان آخرین و جامع‌ترین دین است. قرآن کریم نیز به اهمیت گفت‌وگو و تأثیر معجزه‌آسای آن در بهبود زندگی انسان تأکید کرده است.

اصول و معیار در گفتگوی مفید

اصول و معیارهایی در قرآن برای گفت‌وگوهای مفید و موثر جهت نایل شدن به نتیجه مطلوب مطرح شده که عبارتند از:

۱- قبول تساوی طرفین

یکی از اصول بسیار مهم در گفت‌وگو و به نتیجه رسیدن آن در منطق قرآن، اعتقاد به تساوی طرفین گفت‌وگو است. اینکه طرف‌های گفت‌وگو از حقوق مساوی و برابر برخوردارند: «فبشر عباد الذین یستمعون القول و یتابعون احسنه» (زمر، ۱۸).^۱ آیه دیگری نیز به نوعی اصل تساوی در

۱. «آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند».

گفت‌وگو را تأیید می‌نماید: «و إنا و ایاکم لعلی هدیٰ او فی ضلال مبین» (سبأ، ۲۴).^۱ بنابراین، از نظر قرآن یک گفت‌وگوی مطلوب در شرایطی می‌تواند موثر و البته به دنبال آن اتباع احسن را در پی داشته باشد که هیچ‌کدام از طرفین گفت‌وگو ادعای برتری و حق مطلق برای خود و نفی دیگری را نداشته باشد.

۲- تخصص، علم و آگاهی در موضوع گفت‌وگو

در قرآن کریم اصل تخصص و توانایی و کارآمدی به رسمیت شناخته شده است، درباره پادشاهی طالوت، علم و توان جسمی از مهمترین ویژگی حاکم جامعه مورد تأکید قرار گرفته است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» (بقره، ۲۴۷).^۲ پیرامون پادشاهی حضرت داود نیز مسئله علم و حکمت جزو ابزارهای مهمی برای ورود به امر فرمانروایی و حکمرانی بیان شده است: «اتاه الله الملك و الحکمة و علمه مما یشاء» (بقره، ۲۵۱).^۳

حضرت یوسف به خاطر علم و آگاهی و تخصص، مسئول خزانهداری حکومت مصر شد. علم، شرط حکمرانی و بقاء و ثبات نظام سیاسی و آزادی‌های عمومی است. انتخاب افراد توانمند در تمام عرصه‌های سیاسی - فرهنگی شرط اساسی ثبات نظام سیاسی است: «قال اجعلنی علی خزائن الارض إنی حفیظٌ علیم» (یوسف، ۵۵).^۴ وقتی حضرت موسی مأمور گفت‌وگو با فرعون گردید، گفته شد: «اذهب الی فرعون إنه طغی» (طه، ۲۴).^۵ موسی (ع) از خداوند درخواست کمک کرد، از جمله شیوایی بیان و گفت‌وگو، سعه صدر و یک مشاور و کاربلد قوی از مهم‌ترین درخواست‌ها بود:

«گفت: پروردگارا! سینه‌ام را [برای تحمل این وظیفه سنگین] گشاده گردان، و کارم را برایم

۱. «بی تردید ما یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم».

۲. «خدا او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده است».

۳. «[داود] خدا او را فرمانروایی و حکمت داد و از آنچه می‌خواست به او آموخت».

۴. «یوسف گفت: مرا سرپرست خزاندهای این سرزمین قرار ده، زیرا من نگهبان دانایی هستم».

۵. «به سوی فرعون برو؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است».

آسان ساز، و گرهی را [که مانع روان سخن گفتن من است] از زبانی بگشای، [تا] سخنانم را بفهمند، و از خانواده‌ام دستگیری برایم قرار ده، هارون برادرم را، پشتم را به او محکم کن، و او را در کارم شریک گردان» (طه، ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲).

در آیه‌های فوق از زبان موسی برخی از رمز و راز و شاخصه‌های گفت‌وگوی خردمندانه به تصویر کشیده شده است، نخستین رمز موفقیت در گفت‌وگو داشتن سعه صدر و تحمل شنیدن صدای مخالفین دینی، فکری و سیاسی است. در حکمرانی مطلوب قرآنی وزیر امور خارجه و سفرا و کسانی که تعاملات کشور را با دنیای خارج برقرار می‌کنند، باید سعه صدر داشته باشند، سعه صدر از دانش بالا و تجربه و تمرین مناسب به دست می‌آید. هر مقدار علم، درک و آگاهی فرد از موضوع افزایش یابد، برخورد خردمندانه از خود نشان خواهد داد. شخص وقتی عصبانی و تندخو می‌شود، ظرفیت تدبیر و عقلانیت و اعتدال را از دست می‌دهد. داشتن بیان زیبا، رمز دیگر موفقیت در گفت‌وگو است. گفت‌وگوکننده باید مسلط به ادبیات مذاکره و آگاه از موضوع مذاکره باشد، تا مسائلی را به صورت «قول سدید» (نساء، ۹؛ احزاب، ۷۰). بیان کند که همه فهم و دارای منطق خاص عقلی بوده و از ادبیات مخصوص و براساس عرف جامعه و نظام بین‌الملل گفت‌وگو کند، «بفقهوا قولی». در نتیجه قابل فهم برای مخاطبین و نتیجه‌بخش خواهد بود.

در مذاکره‌ها، مشاور دانا و متخصص لازم می‌باشد، در ذات گفت‌وگو مشارکت افراد مفروض گرفته شده است. مشاور یا به تعبیر قرآن: «و اجعل لی وزیراً من اهلی». وزیر یعنی دستیار توانمند که بتواند در پیشبرد گفت‌وگو و مذاکره کمک کند و بن‌بست‌های مذاکره‌ها را بشکند و مسیر گفت‌وگو را هموار سازد و برای ثبات سیاسی نیز گفت‌وگو در سطح ملی، به صورت دائمی باید فعال بوده و مسیر گفت‌وگو بین دولت و ملت باز و غیرمحدود باشد.

در سبک زندگی پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز این اصول گفت‌وگو رعایت می‌شد و در انتخاب افراد برای گفت‌وگو و مذاکره افراد شاخص با توان ویژه در امور گفت‌وگو و تبلیغ را انتخاب و اعزام می‌کرد. ایشان وقتی در عقبه دوم با اهل یثرب پیمان بست، مصعب بن عمیر را به عنوان نماینده خود در یثرب انتخاب کرد و برای تبلیغ و مذاکره با اهل یثرب فرستاد. از جمله

ویژگی‌های مصعب، خوش لحنی و دارای صدایی دلنشین، و برای تبلیغ اسلام و گسترش فرهنگ قرآنی، فرد مناسبی بود. وقتی مصعب قرآن تلاوت می‌کرد، دل افراد برای پذیرش اسلام نرم می‌شد، دومین ویژگی مصعب خوش قیافه و خوش‌هیكل بودن وی بود، در روان‌شناسی خیلی روی این مسئله تأکید می‌کنند، قیافه ظاهری در گفت‌وگو و مذاکره خیلی مهم و مؤثر است. مصعب سعه صدر داشت و از یک خانواده شناخته شده و مطرح نیز بود.

در منطق قرآن مسئولیت‌ها و پست‌های سیاسی باید به انسان‌های توانمند و متخصص سپرده شود، توانایی علمی و عملی فرد، در تعبیر قرآن اهلیت نمایندگی از طرف مردم در عرصه عمومی را پیدا می‌کند: «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (نساء، ۵۸): «خدا به شما دستور می‌دهد امانات را به اهلش بسپارید».

پیامبر(ص) فرمود: «کسی که کاری را بدون آگاهی و تخصص از آن انجام دهد، صدمات آن از نفعش بیشتر است» (مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، ۱۳۷۸: ص ۷۱). بنابراین، یکی از مولفه‌های مؤثر برای تضمین آزادی در سطح فردی، ملی و بین‌المللی سازوکار گفت‌وگو است.

۳- تأکید بر مشترکات در گفت‌وگو

برای پیشبرد گفت‌وگو، باید از موضوع‌های مشترک و دغدغه‌های جدی برای طرفین شروع کرد. پیامبر(ص) در نامه‌هایی که به حاکمان زمان خود از جمله، حکمرانان مصر، حبشه و ایران و غیره نوشت، این اصل را رعایت کرد و در طلیعه نامه از آیه «قل تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم و ألا نعبد إلا الله... و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» (آل عمران، ۶۴)^۱ استفاده می‌کرد. برای انجام گفت‌وگوی موفق باید از موضوع‌های حاشیه‌ای و یک‌طرفه و تنش‌زا پرهیز کرد. فرایند گفت‌وگو باید از مشترکات شروع شود، و به صورت منطقی به موضوع‌های

۱. «بگو بیائید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که جز خدای یگانه را نپرستیم... و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد».

چالش برانگیز برسد، و موضوع‌های اختلافی براساس موضوع‌های مشترک حل و فصل شود. شبیه علم منطق، مجهولات براساس معلومات، روشن، شفاف و معلوم می‌شود.

۴- پرهیز از ادبیات تنش‌زا

از محورهای اساسی در زمینه گفت‌وگوی قرآنی، پرهیز از بکارگیری کلمات غیرمتناسب و تنش‌زا از جمله طعنه‌زدن و مسخره کردن و تحقیر طرف مقابل است (مبلغی، ۱۳۸۷: ص ۱۷). «و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغیر علم» (انعام، ۱۰۸).^۱ طرح مسائل تنش‌زا، استفاده از ادبیات نامناسب، با فلسفه گفت‌وگو در تعارض است. هدف گفت‌وگو کاهش اختلافات و افزایش مشترکات و تبدیل دشمن به دوست می‌باشد. دست‌اندرکاران گفت‌وگو در مذاکرات باید ادب گفت‌وگو و مذاکره را رعایت کنند، ادب نشانه ایمان و تعالی شخصیت انسان است، گفت‌وگوی مؤدبانه بستر رسیدن به توافق و نتیجه را فراهم می‌کند.

۵- خوش‌بینی به گفت‌وگو

گفت‌وگو باید با حسن‌ظن و خوش‌بینی آغاز و ادامه پیدا کند، در غیر این صورت گفت‌وگو و مذاکره معنایی ندارد. اسلام اساس بحث و گفت‌وگو را بر گسترش دوستی و عطف‌پذیری پایه‌گذاری می‌کند، در منطق اسلام گفت‌وگو، وسیله‌ای برای سیدن به هدف است، هدف نیز همان ایمان به حق بوده و سعی کند تا جایی که امکان دارد افراد بیشتری را به آن هدف نزدیک و هماهنگ سازد و در این راه باید از کلمه‌های نرم و روش‌های دل‌نشین استفاده کند. روشی که دریچه‌های قلب را به سوی حق گشوده و اندیشه‌ها را با مفاهیم حق نزدیک کند، و از هرگونه تعبیرهای زشت و منفی بافی‌های خصمانه و خشن پرهیز شود. این روش به طور کلی روش برتر نامیده شده است: «کیست نیکو گفتارتر از آنکه به سوی خدا بخواند و عمل شایسته کند و گوید من از مسلمانانم؛ بدی و نیکی یکسان نباشد [بدی‌ها را] به خصلتی نیکوتر دفع کن که از آن پس کسی که میان تو و

۱. «معبودانی را که کافران به جای خدا می‌پرستند، دشنام ندهید، که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد».

او دشمنی بود، گویی دوستی مهربان است؛ و فرا نمی‌گیرد آن را مگر کسانی که صبوری کرده‌اند و فرامی‌گیرد آن را مگر دارنده نصیبی بزرگ» (فصلت، ۳۳ - ۳۴ - ۳۵).

روشن و واضح است قرآن از روش مسالمت و دوستی به روش «حسن و نیکو» و از روش خشونت به روش «سیء و بد» تعبیر کرده است (فضل الله، ۱۳۸۰: ص ۵۳).

دو آیه در قرآن به صورت مستقیم به گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز تأکید دارند:

«ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن».

علامه فضل الله به آیه دیگری برای گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و خردمندانه اشاره کرد است: «و لا تجادلوا اهل الکتاب إلا بالتی هی احسن إلا الذین ظلموا منهم و قولوا أماناً بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحد و نحن له مسلمون» (عنکیوت، ۴۶).^۱

بعد از بررسی اصول گفت‌وگوی خردمندانه در قرآن به برخی از آسیب‌ها و آفت‌های گفت‌وگو اشاره می‌شود، از جمله لجاجت، عناد، تحمل‌ناپذیری، شتاب‌زدگی و توسل به تهدید و اهانت کردن به طرف مقابل مهم‌ترین آفت‌های گفت‌وگو در منطق قرآن است (شریفی اصفهانی، ۱۳۸۱: ص ۱). در قرآن، ماده و لفظ «قول» بیش از پانصد مرتبه تکرار شده است، انواع گفت‌وگوها اعم از گفت‌وگو بین انسان و خدا، گفت‌وگوی انسان‌ها با یکدیگر، گفت‌وگوی پیامبر(ص) با مردم و گفت‌وگوی ادیان ابراهیمی با یکدیگر به تصویر کشیده شده است. «گفت‌وگو» در قرآن برای حل معضلات و مشکلات و بحران‌های جامعه انسانی به عنوان بهترین و مؤثرترین روش و شیوه معرفی شده است. انسان برای پرهیز از جنگ و خشونت باید به گفت‌وگو بپردازد. گفت‌وگو خردمندانه‌ترین روش برای رسیدن به منافع فردی، ملی و بین‌المللی است. انسان مؤمن در سایه گفت‌وگو می‌تواند آزادی‌های عمومی را برای خود و جامعه تضمین کند. فرهنگ گفت‌وگو عرصه را برای مستبدین و ظالمان تنگ و برای خردمندان وسیع‌تر می‌کند.

۱. با اهل کتاب جز با نیکوترین شیوه مجادله و گفت‌وگو مکنید، مگر با کسانی از آنان که [در مجادله با شما] ظالمانه به میدان آیند و بگویند: به آنچه به سوی ما و به سوی شما نازل شده ایمان داریم و معبود ما و معبود شما یکی است و ما تسلیم [فرمان‌ها و احکام] او هستیم.

نتیجه‌گیری

تدبّر و تأمل در قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع معرفتی و عملی مسلمانان از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروزی ایران و جهان اسلام است. آزادی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دیروز، امروز و فردای زندگی انسان بوده و خواهد بود. جامعه ایران و جهان برای حل بحران‌های موجود، نیاز جدی به تأمل در مساله آزادی دارد. برای اینکه بدون آزادی رسیدن به جامعه مطلوب قرآنی و توسعه واقعی غیرقابل تحقق است. توسعه را می‌توان به عنوان یک فرآیند بسط و گسترش آزادی‌های واقعی که مردم از آنها بهره ببرند، تلقی کرد. در تأمل پیرامون آموزه‌های قرآنی مرتبط با موضوع چگونگی حفظ، تضمین و پایدار کردن آزادی در جامعه، مولفه‌های زیر قابل توجه است:

عقل‌گرایی و تأکید بر عقلانیت در جامعه از شکل‌گیری جریان‌های قشری‌گرا و سطحی‌نگر و رادیکال‌جولوگیری می‌کند. این جریان‌ها در طول تاریخ اسلام مانع رشد، بالندگی و توسعه جامعه بوده و هستند. گسترش علم و آگاهی از دیگر مولفه‌های توسعه آزادی در جامعه است. آگاهی مردم از وضعیت خود، تحولات منطقه و نظام بین‌الملل، فکر و رفتار انسان‌ها را اصلاح می‌کند، قدرت تشخیص امور واقعی را از غیر واقعی به مردم می‌دهد و مردم را در استیفای حقوق خود توانمند می‌کند. مساله آگاهی، مقدمه و پیش شرط اصلاحات همه‌جانبه در جامعه است.

انسان مسلمان در جامعه امروزی نیازمند نقد دوگانه سنت، میراث اسلامی و مدرنیته می‌باشد. رویکرد نقادانه به تراث اسلامی و مدرنیته، یک نوع آسیب‌شناسی جدی است، ظرفیت ارائه راه سوم برای زندگی سعادت‌مندانه را با الهام از آموزه‌های قرآن، سبک زندگی پیامبر(ص) و استفاده از تجربه‌های موفق بشری فراهم می‌کند. از طرف دیگر، نگاه نقادانه به عملکرد مسئولین سیاسی، باعث پاسخگویی آنها شده و شفافیت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مرحله اجرا را فراهم می‌کند. بنابراین، نقد هم‌زمینه‌های آزادی را مهیا می‌سازد و نیز سبب بلوغ آزادی در جامعه می‌شود.

هجرت از دیگر مولفه‌های تضمین آزادی در قرآن است. هجرت سازوکار اسلام برای شکستن و گسست محدودیت‌ها اعم از محدودیت مکانی یا تعلقات و وابستگی‌های عاطفی از جمله

خانواده یا مادی و سیاسی از جمله محرومیت از مزایای قدرت و غیره برای رهایی انسان و رهاسازی سایر مردم و بدست آوردن آزادی در جامعه است. با هجرت و رهایی، انسان مهاجر افق‌های جدید برای بهتر زیستن و سبک زندگی شرافتمندانه خلق می‌کند.

گفت‌وگو مهم‌ترین نیاز امروز و فردای جامعه ایران و جامعه بشری است. تنها راه فائق آمدن به بحران‌های موجود داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، گفت‌وگوی عاقلانه و معطوف به نتیجه است. منطق آموزه‌های قرآن و سیره سیاسی معصومین نشان می‌دهد که زندگی اجتماعی انسان به صورت دائمی با اختلاف سلیقه، آراء، تنوع و تکثر دیدگاه‌ها مواجه است. تنها مسیر و جهت رسیدن به اجماع نسبی در جامعه گفت‌وگو و تضارب آراء و دیدگاه‌هایی با رویکرد تساوی طلبانه و نگاه خوشبینانه به حل معضلات و مشکلات است.

مولفه‌های پنج‌گانه فوق، منظومه‌ای را شکل می‌دهد که می‌توان با الهام از قرآن و نیازهای امروزی جامعه و تجربه‌های کسب شده بشری، نظریه تضمین آزادی را ارائه کرد.

منابع

قرآن کریم

۱. برلین، آیزیا (۱۳۶۸). چهار مقاله درباره آزادی. تهران: شرکت سهامی انتشار، خوارزمی.
۲. خان‌محمدی، یوسف (۱۳۹۶). روش‌شناسی تفسیر سیاسی قرآن. شیعه‌شناسی، سال پانزدهم، شماره ۵۷: ص ۹۵-۱۱۲.
۳. روزنتال، فرانس (۱۳۷۹). مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان. ترجمه منصور میراحمدی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. سن، آمارتیا کومار (۱۳۸۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه سید احمد موثقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. شبستری، محمد مجتهد (۱۳۸۲). ایمان و آزادی. تهران: طرح نو، چاپ چهارم.
۶. شریعتی، علی (۱۳۴۷). محمد خاتم پیامبران. تهران: انتشارات حسینیه ارشاد و شرکت سهامی انتشار، ج ۱.
۷. شریفی اصفهانی، میهن (۱۳۸۱). آئین خطاب و گفت‌وگو در قرآن. رساله دکتری. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.
۸. شوقی، ابوخلیل (۱۹۸۵م). الهجره حدت غیر مجری التاريخ. دمشق: دارالفکر، الطبعة الثالثة.
۹. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۱). پرتوی از وحی. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ج ۵.
۱۰. فضل‌الله، محمدحسین (۱۳۸۰). گفت‌وگو و تفاهم در قرآن کریم. ترجمه سید حسن میردامادی. تهران: هرمس.
۱۱. لیمن، اولیور (۱۳۹۱). دانشنامه قرآن کریم. ترجمه محمدحسن وقار. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۲. مبلغی، احمد (۱۳۸۷). سخن قرآن پیرامون: گفت‌وگوی اندیشه و اندیشه گفت‌وگو، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۱۳. مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست (۱۳۷۸). تهران: سازمان محیط زیست.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). آزادی از نگاه مطهری. گردآوری حسین یزدی. تهران: انتشارات صدرا.

۱۵. مک اولیف، جین دمن (۱۳۹۲). *دایره‌المعارف قرآن*. تهران: انتشارات حکمت، ج ۴، ۲، ۱.
۱۶. موسوی زنجانی، سید ابوالفضل (۱۳۸۶). *یادگاری ماندگار*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۷. هیوود، اندرو (۱۳۹۳). *سیاست*. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی.